

# درنگی در ترجمهٔ کتاب من و مولانا

سید محمد حسین میرفخرائی

| ۲۱۹-۲۲۶ |



ژوئیه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مجمع علوم انسانی

## A Reflection on the Translation of the Book "Man and Mowlānā"

Seyyed Mohammad Hossein Mirfakhrai  
Editor and translator

**Abstract:** The book "Man and Mowlānā", one of the prominent works of William Chittick, contains a narrative about the life of Shams Tabrizi. By selecting pieces of Shams's articles and rearranging them, Chittick tried to prepare an autobiography for this hidden character. This book was translated into Farsi some years ago by Shahābuddīn Abbāsī and published by Murvarid press with some additions. The several reprinting of this book indicates the Iranians' interest in the book. In this article, after a brief report of the content, the translation of the book has been examined and some errors in the Persian text have been pointed out. Some of these errors are due to improper omissions and others are caused by the translator's mistakes. Some other mistakes are due to the errors in the English text, or the editing that the translator relied on.

**Keywords:** Shams Tabrizi, Shahābuddīn Abbāsī, Man and Mowlānā, William Chittick

چکیده: کتاب من و مولانا، از آثار شاخص ویلیام چیتیک، دربردارنده روایتی است از زندگانی شمس تبریزی. چیتیک با برگزیدن تکه‌هایی از مقالات شمس و بازچینش آن، کوشیده برای این شخصیت پیدا و پنهان، زندگی‌نامه‌ای خودنوشت تدارک ببیند. این کتاب سال‌ها پیش به‌همت شهاب‌الدین عباسی به فارسی درآمده و همراه با برخی افزوده‌ها، توسط نشر مروارید انتشار یافته است. تجدید چاپ چندبارهٔ آن نیز نشانه‌ای است از اقبال خوانندگان فارسی‌زبان. در این نوشتار، بعد از گزارش اجمالی محتوا، ترجمهٔ کتاب مورد بررسی قرار گرفته و شماری از خطاهای راه‌یافته به متن فارسی گوشزد شده است. برخی از این خطاها ناشی از حذف‌های نابجا و برخی دیگر سهوالقلم‌های مترجم است. شماری دیگر نیز متأثر از خطاهای موجود در متن انگلیسی، یا تصحیحی از مقالات است که مترجم به آن تکیه داشته است.

کلمات کلیدی: شمس تبریزی، شهاب‌الدین عباسی، من و مولانا، ویلیام چیتیک



پروہشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## درآمد

محققان ادبیات عرفانی، به ویژه مولوی پژوهان عموماً با ویلیام سی. چیتیک<sup>۱</sup> و نوشته‌هایش آشنا نیستند. او مترجم و مفسر متون فلسفی و عرفانی اسلامی و صاحب آثاری ارزشمند در این حوزه است. تعدادی از این آثار به فارسی ترجمه شده‌اند که در بین آنها بی‌گمان من و مولانا یکی از مهم‌هاست. چیتیک در این کتاب روایتگر زندگانی شمس تبریزی از زبان خود اوست. من و مولانا که در سال ۱۳۸۳ جایزه کتاب سال در بخش بهترین کتاب خارجی را نصیب نویسنده خود کرده، نخستین بار در سال ۱۳۸۶ به کوشش شهاب‌الدین عباسی به فارسی درآمده و تاکنون دست‌کم سیزده بار تجدید چاپ شده است. در این نوشتار می‌کوشم در این ترجمه درنگی کنم.<sup>۳</sup>

## مقدمه

تا پیش از تصحیح و انتشار مقالات شمس،<sup>۴</sup> شخصیت شمس تبریزی حتی برای بسیاری از دانشمندان ادبیات در پس پرده بود، تا آنجا که به گفته مصحح این اثر، دکتر محمدعلی موحد، شماری یکسره منکر وجود چنین شخصی بودند. اگرچه پیوند مولانا و شمس برای همگان پیداست و در شماری از آثار پیروان مولانا نیز اشاراتی به زمانه و زندگی شمس شده، انتشار نسخه‌ای منقح از مقالات را شاید بتوان مهم‌ترین گام در شناساندن کسی دانست که ملای رومی وی را «خسرو اعظم» و «جان جان جان» می‌نامید. اما شناخت شمس از رهگذر این اثر کاری نبود که به سادگی میسر باشد، چه به تعبیر دکتر موحد، مقالات به شکل «مشتی یادداشت از هم‌گسیخته و نامنظم» باقی مانده بود. در واقع جز با نوعی فراوری، امکان دست‌یافتن به شناختی پذیرفتنی از شخصیت شمس دشوار می‌نمود. این همان کاری است که ویلیام چیتیک در اثر ارزشمند خود، من و مولانا به آن پرداخته است. به این ترتیب چنان که پروفیسور آنه ماری شیمیل<sup>۵</sup> گفته است، این کتاب را می‌توان «نقطه عطفی واقعی در مطالعه راجع به شخصیت رازآمیز شمس تبریزی» به شمار آورد. ترجمه این اثر به فارسی نیز کوششی بایسته و شایسته بوده که خوشبختانه نزدیک به شانزده سال پیش به دست مترجم توانمند، آقای شهاب‌الدین عباسی انجام گرفته است. در این نوشتار نخست محتوای کتاب را به اجمال گزارش می‌کنم، سپس نکاتی درباره ترجمه می‌آورم و سرآخر، بحث را با جمع‌بندی به پایان می‌برم. امیدوارم برای اهالی کتاب مفید باشد.

1. William C. Chittick

2. *Me & Rumi: The Autobiography of Shams-i Tabrizi*, Fons Vitae, 2004.

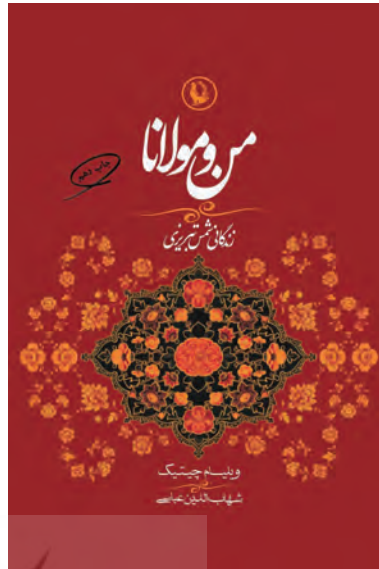
۳. مبنای من در این بررسی چاپ سیزدهم (تابستان ۱۴۰۰) است.

۴. مراد تصحیح صورت گرفته به همت آقای دکتر محمدعلی موحد است، نه نخستین تصحیح که حاصل کوشش احمد خوش‌نویس است.

5. Annemarie Schimmel

## گزارش اجمالی محتوای کتاب

کتاب من و مولانا را در نگاه نخست می‌توان گزیده‌ای از مقالات شمس دانست، با این توضیح که چیتیک دوسوم مقالات را در این کتاب به انگلیسی درآورده و سپس این گزیده‌ها را به نحوی در کنار هم چیده است که بتوان از دل آن، به سیرزندگانی شمس و نیز پیوند او با مولانا بیشتر و بهتری برد. برای اساس، کتاب در سه بخش سامان گرفته: نخست، «سال‌های من بدون مولانا»؛ دوم، «راهم به سوی خدا»؛ سوم، «روزگارم با مولانا». در هر بخش نیز چیتیک گزیده‌ها را طوری در کنار هم آورده که گویی در پی شکل دادن به نوعی روایت بوده است؛ به عنوان مثال، بخش نخست را از «کودکی» آغازیده و با «معلم‌ان و مشایخی که با آن‌ها ملاقات کرده‌ام» به پایان برده است.



در متن ترجمه، بخش نخست مشتمل بر ۵۱ گزیده است و بخش‌های دوم و سوم نیز به ترتیب، ۲۳۹ و ۲۲۰ گزیده را در بر گرفته‌اند.

پس از متن اصلی، نوبت به بخش‌های تکمیلی می‌رسد. چیتیک افزون بر فهرست منابع، یادداشت‌هایی نیز در توضیح گزیده‌ها آورده است. همچنین فهرست آیات و احادیث و نیز نام‌ها، موضوعات و اصطلاحات از دیگر بخش‌های کتاب‌اند. مترجم نیز واژه‌نامه‌ای برای شرح معانی واژه‌ها و عبارات دشوار به متن افزوده است که در جای خود گره‌گشا و شایان تقدیر است. همچنین در ادامه «سخن مترجم» و افزون بر «پیشگفتار»، نوشته‌ای از شیمیل با عنوان «غریبه‌ای در قونیه»، و مقاله‌ای از چیتیک با عنوان «عرفان در اسلام» به متن ترجمه افزوده شده است که هر دوی این افزوده‌ها نیز راهگشا و درخور توجه‌اند.

## نکاتی درباره ترجمه

چنان‌که ذکر شد، بدنه اصلی کتاب را گزیده‌هایی از مقالات شمس تشکیل می‌دهد. چیتیک برای ترجمه این بخش‌ها از تصحیح دکتر محمدعلی موحد (چاپ انتشارات خوارزمی) بهره برده و در پایان هر گزیده، شماره صفحه در متن مرجع را نیز ذکر کرده است. برای اساس، کار مترجم در بخش اصلی کتاب، عملاً ترجمه نبوده، بلکه می‌بایست به متن فارسی مقالات مراجعه و گزیده را عیناً نقل می‌کرده است. با این همه، خلل‌هایی به متن راه یافته که در ادامه در چهار بخش (الف تا د) به شماری از آن‌ها اشاره می‌رود.

الف. کدام متن اصلی؟

چنان که در «سخن مترجم» آمده، نسخه‌ای را که مترجم کتاب را از روی آن برگردانده انتشارات فونس ویتای<sup>۶</sup> در سال ۲۰۰۴ منتشر کرده است. در عین حال نگارنده این نوشتار با مراجعه به همین چاپ از همین ناشر متوجه وجود تفاوت‌هایی شد که در نوع خود محل تأمل است. نخست اینکه برخلاف آنچه پیش‌تر آمد، بخش نخست مشتمل بر ۵۵ گزیده است و بخش‌های دوم و سوم نیز به ترتیب ۲۵۴ و ۲۲۳ گزیده را شامل می‌شوند. بر این اساس باید گفت بیش از ۲۰ گزیده در ترجمه انعکاس نیافته است. بخش مهمی از این جا افتادگی‌ها مربوط به گزیده‌هایی است که به زبان عربی بوده و در متن انگلیسی به صورت لمبیده (ایتالیک) آمده‌اند؛ برای مثال می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. ص ۸ متن انگلیسی، گزیده ۱۴، شروع گزیده: Yes, how well I taught children، در متن اصلی<sup>۷</sup> (ص ۳۴۳): نَعَمْ مَا أَعَلَّمْتُ الصَّبِيَّ؛

۲. ص ۷۶ متن انگلیسی، گزیده ۷۱، شروع گزیده: "That is not what the shaykh says"، He said:، در متن اصلی (ص ۶۷۹ و ۶۸۰): قَالَ: «هَذَا لَمْ يَقُلْهُ الشَّيْخُ...»؛

۳. ص ۲۰۹ متن انگلیسی، گزیده ۶۲، شروع گزیده: The prophets long for his presence، در متن اصلی (ص ۶۸۴ و ۶۸۵): الْأَنْبِيَاءُ فِي حَسْرَةٍ حُضُورِهِ.

ب. دیگر جا افتادگی‌ها

برخی از جملات یا ابیات عربی متن نیز با اینکه در متن اصلی آمده، در ترجمه انعکاس نیافته است؛ برای مثال می‌توان به این ابیات اشاره کرد:

۱. ص ۵۸ متن انگلیسی، گزیده ۳۸، بیت ابتدای گزیده جا افتاده است:

If you must cover yourself with dust  
then take dust from the greatest of dunes

در متن اصلی (ص ۲۰۷): إِذَا كُنْتَ لَا بُدَّ تَسْتَتِرِبِ / فَمِنْ أَعْظَمِ النَّلِّ فَاسْتَتِرِبِ؛

۲. ص ۲۳۱ متن انگلیسی، گزیده ۱۰۱، بیت ابتدای گزیده جا افتاده است:

Since you left me my eyes have darkened  
and my eyeballs' clouds pour down rain

در متن اصلی (ص ۹۱): مُذْ فَارَقْنِي جِسْمُكَ أَظْلِمَ بَصْرِي / وَأَنْهَلَ سَحَابٌ مُقْلَتِي كَالْمَطَرِ؛

۳. ص ۲۶۶ متن انگلیسی، گزیده ۱۵۷، بیت میان گزیده جا افتاده است:

The eye of satisfaction is dull to every defect  
the eye of displeasure brings out every ugliness

در متن اصلی (ص ۱۰۰): وَعَيْنُ الرِّضَا عَنْ كُلِّ عَيْبٍ كَلِيلَةٌ / سِوَى أَنَّ عَيْنَ الشُّخْطِ تُبَدِي الْمَسَاوِيَا.

ج. دیگر خطاهای متن

در انتقال گزیده‌ها از متن اصلی به ترجمه خطاهایی نیز رخ داده که تعدادی از آن‌ها به‌قرار زیر است.

۱. ص ۵۹ ترجمه: «شب بر سر پزیرفتمی. تردید کردمی.» (توضیح: در متن اصلی (ص ۶۲۶) به جای «تردید»، «ترید» آمده، واژه‌ای که در تداول عامه به صورت «تلیت» یا «تیلیت» درمی‌آید و به تعبیر دهخدا، «ریزه کردن نان باشد در شیرو دوغ و غیره». پیداست که با توجه به معنای «سرپز»، ضبط صحیح این است):

۲. ص ۷۱ ترجمه: «آبا او انفاق می‌کردم.» (توضیح: در متن اصلی (ص ۱۶۸) به جای «انفاق»، «نفاق» آمده است):

۳. ص ۸۱ ترجمه: «فقیهی بود در درس او از همه مقل حال تر و در صف نعال تر.» (توضیح: متأسفانه در متن اصلی (ص ۶۶۹) نیز واژه «نعال» به صورت مشدد آمده است، حال اینکه خطاست<sup>۸</sup> و صحیح آن «نِعال» (جمع «نعل») است. شادروان دهخدا در ذیل «نِعال» آورده است:

«صَفِّ نِعال: کفش کن. پایین اتاق. آستان. آستانه. درگاه. پایگاه. پایگاه.»

سپس از سعدی چنین شاهد آورده:

بُود که صدرنش پشیمان بارگاه قبول نظر کنند به بیچارگان صَفِّ نِعال؛

۴. ص ۸۴ ترجمه: «اگرچه در خون خویش غلتان است / روسزای سیه دلان آن است.» (توضیح: پیداست که الف در «اگرچه» اضافه است و وزن را مختل کرده. در متن اصلی (ص ۷۷) هم اثری از آن نیست):

۵. ص ۱۱۰ ترجمه: «در حضورا اگر جبرائیل بیاید لُرس خورد.» (توضیح: هر چند در متن اصلی (ص ۲۰۸) نیز «لرس» به ضم لام آمده، اما ظاهراً صحیح آن به فتح لام است. شادروان دهخدا «لُرس» را ترجم کردن و «لرس» را سیلی معنا کرده است):

۸. البته «نُعال» در جای خود معنا دارد. مراد این است که معنای این صورت از واژه با این بافت ناسازگار است.

دهخدا «نُعال» را چنین معنا کرده است: «نعل بند، که نعل پرستوران بندد:

آن کمیت گه‌ری را که تو دادی به‌ری / جز به شش میخ بر آن نعل نیندند نُعال

فرخی.»

۶. ص ۱۲۱ ترجمه: «درویشی را درویشی و خاموشی.» (توضیح: در متن اصلی (ص ۶۶۸) به جای «درویشی» (اول)، «درویش» آمده است)؛

۷. ص ۱۸۳ ترجمه: «می‌گویم: طریقی خدا این است. البته گذر به آقسراست. و البته آن گذشتن است بر وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ.» (توضیح: در متن اصلی (ص ۱۱۵) پیش از آیه، واژه «پول» (صورت دیگر واژه «پل») آمده که در متن انگلیسی (ص ۱۸۲) هم به شکل the bridge of انعکاس یافته است، اما در ترجمه اثری از آن نیست. نیز در متن اصلی، آیه به صیغه غایب آمده است: «وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ»، اما در متن انگلیسی و به تبع آن در ترجمه، به صیغه مخاطب (امر) در آمده است: «وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ»<sup>۹</sup>؛

۸. ص ۲۴۲ ترجمه: «یا موسی، جِئْتُ فَلَمْ تُطْعِمْنِي. یا موسی، إِذَا جِئْتُ عَلَىٰ بَابِكَ كَيْفَ تَصْنَعُ؟» (توضیح: در متن اصلی (ص ۱۰۲) به جای «جِئْتُ» (اول)، «جَعْتُ» آمده است. «جَعْتُ» یعنی گرسنه شدم (از ریشه جوع) و روشن نیست که چرا در متن ترجمه به فعلی دیگر تبدیل شده است.)

#### د. خطاهای جزئی

گذشته از برخی خطاهای معدود که در اعراب‌گذاری عربی‌های متن به چشم می‌خورد و ذکر آن‌ها شاید ملال‌آور باشد، برخی ایرادات جزئی نیز به متن راه یافته که شماری از آن‌ها در ادامه می‌آید.

۱. ص ۱۱۹ ترجمه: «إِلَىٰ يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ۱۱۵: [۳۷].» (توضیح: این عبارت آیه ۳۸ سوره ۱۵ (حجر) است که به اشتباه ۳۷ درج شده است. این خطا را در اصل چیتیک مرتکب شده است (ص ۹۲ متن انگلیسی))؛

۲. ص ۲۱۳ ترجمه: «زنان را گفته‌اند: شاورهنَّ وَخَالِفُوهُنَّ.» (توضیح: پیداست که در «شاورهن» یک واو جا افتاده است. در متن اصلی (ص ۶۵) این واژه به درستی «شاوروهن» آمده است)؛

۳. ص ۲۶۵ ترجمه: «می‌نماید از رحمت و رقت می‌گرید. نی، بلکه از غایب حب جاه می‌گرید.» (توضیح: در متن اصلی (ص ۱۳۸) به جای «غایب»، «غایت» آمده و پیداست که صحیح این است)؛

۴. ص ۲۷۹ ترجمه: «آن‌چه من می‌کنم و می‌سازم در بیست روز، تو در یک لحظه لگد می‌زنی ویران می‌کنی. آن‌همه هیچ حساب کار نبود. آن‌همه خراجی کار بود.» (توضیح: در متن اصلی (ص ۷۶۶) به جای «خراجی»، «خرابی» آمده است.)

۹. با این همه هر دو عبارت در آیات قرآنی به چشم می‌خورد: صیغه غایب در آیه ۷۲ سوره ۸ (انفال)، و صیغه مخاطب (امر) در آیه ۴۱ سوره ۹ (توبه).

## جمع بندی

شکی نیست که کتاب من و مولانا از منابع مهم در شناخت شمس تبریزی و سپس، پی بردن به ابعادی از زیست و زندگانی مولانا است. هم از این رو با اقبال خواننده فارسی زبان مواجه شده و جایگاه خود را نزد مخاطبان یافته است. تجدید چاپ مکرر این اثر را نیز می توان بر همین معنا حمل کرد. حال که به همت مترجم گرامی و با کمک ناشرگران قدر، این اثر مهم سال هاست لباس فارسی پوشیده، چه بهتر که با برطرف شدن این کاستی ها در چاپ های بعد، شاهد ویراستی پاکیزه تر از این کتاب ارزشمند باشیم.

این نوشتار را با پیشنهادی درباره ساختار کتاب به پایان می برم. شکی نیست که همراه شدن متن اصلی با ترجمه در چنین آثاری برای متخصصان و اهل فن راهگشاست، چه، بسیاری از اوقات، می توان با مراجعه به متن غیر فارسی، به دریافت مترجم از متن پی برد و از این رهگذر، برخی گره ها راگشود.<sup>۱۰</sup> با این حال به نظر می رسد بسیاری از خوانندگان به دلایل گوناگون چنین نکنند. با حذف متن انگلیسی از کتاب حاضر، چیزی حدود یک سوم از حجم آن کاسته خواهد شد و چنین کاهش می تواند بر قیمت گذاری این کتاب خواندنی، آن هم در شرایط اقتصادی فعلی، به وضوح اثرگذار باشد و آن را برای شمار بیشتری از علاقه مندان دسترس پذیر سازد.<sup>۱۱</sup>



۱۰. این روشی پسندیده و یاریگر خوانندگان در مواجهه با چنین متونی است، به طوری که برخی استادان نیز چنین کرده اند. برای مثال شادروان غلام حسین یوسفی در حاشیه هایی که برگلستان نگاشته، به فراخور، از دریافت های مترجمان عربی، انگلیسی و فرانسوی این کتاب بهره برده است.

۱۱. نیز می توان متن اصلی را به طور جداگانه در قالب فایل الکترونیکی در دسترس خوانندگان علاقه مند گذاشت.